

## معرفی سندی چاپ نشده از دوران قاجار: سفرنامه دوم نجم الدوله به خوزستان

احمد کتابی\*

### چکیده

عبدالغفارخان نجم الملک (نجم الدوله) (۱۲۵۵-۱۳۲۶ ه.ق) از دانشوران و فرهیختگان طراز اول عصر قاجار است که حقی عظیم بر گردن فرهنگ ایران زمین دارد. این بزرگ مرد دانشی، نه تنها در فراگیری علوم و معارف جدید و ارائه آنها به هموطنان خود پیشگام بوده بلکه در تصنیف و تصحیح و انتشار حدود پنجاه کتاب و رساله علمی و نیز استخراج تقویم رسمی کشور و تطبیق سالهای هجری قمری و میلادی و انجام بعضی پژوهش‌های اجتماعی و اجرای بعضی خدمات عمرانی نظیر سدسازی و همچنین، طراحی و اجرای نخستین سرشماری جمعیت تهران و ترسیم نقشه دقیق و جامعی از این شهر و بسیاری شهرهای دیگر و برخی زمینه‌های دیگر پیشگام بوده است.<sup>۱</sup> از این رو، جای شگفتی نیست که بعضی از تذکره‌نویسان عهد ناصری از وی، به عنوان «ذوالفنون» و نیز «نیوتن عصر و ارشمیدس عهد»<sup>۲</sup> یاد کرده‌اند.

در آستانه تحقیق / معرفی سندی چاپ نشده از دوران قاجار

\*. استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.  
تذکر: اعداد داخل پرانتز نشانه ارجاع به پانویس و اعداد فاقد پرانتز علامت ارجاع به پی‌نوشت است.

مقاله حاضر گزارشی است تحلیلی از «دومین سفرنامه نجم الدوله به خوزستان»<sup>(۱)</sup> که در شرح دومین مسافرت نامبرده به منطقه مزبور، به منظور مرمت و بازسازی سد اهواز، نگاشته شده است. این سفرنامه نه تنها شامل انواع آگاهی‌های سودمند درباره نقاط مسیر رفت و بازگشت و محل اقامت نجم الدوله است، بلکه به منزله آئینه تمام‌نمایی است از اوضاع و احوال اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و آداب و رسوم مناطقی طی شده که در جای جای آن انتقادهایی دلسوزانه از نابسامانی‌های موجود و رهنمودهایی سودمند و پیشنهادهایی کارساز در جهت اصلاح امور ارائه شده است.

کلیدواژه: عبدالغفارخان نجم الدوله، عربستان، خوزستان، سد اهواز، مظالم حاکمان، رشوه‌خواری، چپاول بیت‌المال، مداخلات انگلیسی‌ها.

### سفرنامه نجم الدوله به خوزستان: تصویری گویا از ایران عهد ناصری

چگونگی دستیابی به سفرنامه

در اواخر مهرماه سال گذشته، روزی به منظور یافتن اسناد و عکس‌هایی از عبدالغفارخان نجم الدوله، جهت چاپ در کتاب سه اثر از نجم الدوله<sup>۳</sup> به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران رفته بودم. ضمن جست‌وجو در فهرست آثار خطی مضبوط در رایانه، از حسن اتفاق، چشمم بر عنوان سفرنامه دوم نجم الدوله به خوزستان متوقف شد. در نخستین وهله، گمان بردم که این سفرنامه، همان سفرنامه معروف نجم الدوله به خوزستان است که سالها پیش، استاد گرانقدر دکتر محمد دبیر سیاقی به تصحیح و انتشار آن همت گمارده بودند؛ ولی پس از چند لحظه، متوجه عنوان نسخه خطی دیگری شدم که عنوانش سفرنامه نجم الدوله به عربستان<sup>(۲)</sup> بود و شماره ثبتی متفاوت داشت. از کتابدار درخواست کردم که متون خطی هر دو سفرنامه را در اختیارم گذارد. با اندک تأملی، دریافتم که این دو سفرنامه کاملاً متفاوتند: یکی شرح نخستین مسافرت نجم الدوله به خوزستان در سال ۱۲۹۹ ه.ق است یعنی همان متنی که استاد دبیر سیاقی

۱. این سفرنامه با تصحیح و تحشیه و تعلیقات نگارنده در پاییز ۱۳۸۶ توسط انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی منتشر شد.  
 ۲. جای بسی تعجب و تأسف است که نجم الدوله، به تبعیت معمول آن زمان، از تعبیر نادرست «عربستان» به جای «خوزستان» استفاده کرده است.

تصحیح نموده و در سال ۱۳۴۱ به چاپ رسانده بودند و دیگری شرح دومین سفر نجم‌الدوله به خوزستان در هفت سال بعد (۱۳۰۶ ه.ق).

برای مزید اطمینان، موضوع را با استاد دبیر سیاقی در میان گذاردم. اتفاقاً ایشان هم، از وجود سفرنامهٔ دوّم نجم‌الدوله بی‌خبر بودند ولی از سرِ عنایت و بزرگواری، نگارنده را تشویق و تحریض کردند که در صورتِ دستیابی به سفرنامهٔ مزبور، حتماً درصددِ تصحیح و انتشار آن برآیم.

توصیهٔ بنده نوازانهٔ استاد اشتیاق مرا برای دسترسی به این اثر، که بعدها به ارزشِ والای آن بیشتر و بیشتر پی بردم، دوچندان کرد. همان روز از مسئولان بخش خطّی کتابخانهٔ مزبور درخواست کردم نسخه‌ای از سفرنامهٔ مزبور را در اختیارم بگذارند و پس از مدتی توانستم موافقت آنها را در این خصوص جلب کنم.

به محض دریافتِ نسخهٔ سفرنامه، به کمک تنی چند از همکاران، مشغول استنساخ آن شدم و سپس به قصدِ تصحیح، به قرائت آن پرداختم.

چندی نگذشت که دریافتم کارِ تصحیحِ سفرنامهٔ مزبور به این سادگی‌ها و زودی‌ها انجام‌پذیر نیست؛ زیرا علاوه بر ناخوانا بودنِ بعضی کلمات و مبهم و نامفهوم بودنِ برخی جملات و تعبیرات و نیز دشواری‌های ناشی از اعدادِ مکتوب به خطِ سیاق، ارایهٔ توضیحاتی دربارهٔ اعلام و تهیهٔ نمایه‌هایی از آنها ضروری می‌نمود که این همه با تجربهٔ محدودِ نگارنده در زمینهٔ تصحیح و کم‌صبری و تنگ حوصلگی وی مانع‌الجمع بود. در این میان، عنایات و مراحمِ استاد دبیر سیاقی، دیگر بار، شامل حال و مددکارِ مصححِ نوپای سفرنامه گردید و در پرتو دانش و تجربهٔ بی‌کران و صبر و طاقتِ کم‌نظیر ایشان، مشکلات و ابهامات موجود، طی جلساتِ متعددی که در محضرشان برگزار شد، بتدریج برطرف و متنِ سفرنامه تقریباً آماده حروف‌چینی گردید. آنگاه، تهیه و تدوین پی‌نوشت و نمایه‌ها آغاز شد که آن هم، خوشبختانه، در زمانِ مورد نظر به انجام رسید.

#### ویژگی‌های سفرنامه

همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، این سفرنامه شرح دومین مسافرت عبدالغفار خان نجم‌الملک (نجم‌الدوله) به خوزستان است که به دستورِ ناصرالدین شاه قاجار صورت گرفته و هدفِ اصلی آن بازسازی سد اهواز بوده است.<sup>۴</sup> این سفر در ششم ربیع‌الثانی (۱۳۰۶ ه.ق) از تهران آغاز شده و از راه قم، اراک، بروجرذ، خرم‌آباد و

دزفول به خوزستان منتهی گردیده و سپس، در مسیر بازگشت، از طریق بوشهر، کازرون، شیراز، آباده، اصفهان، کاشان و قم، در هشتم شوال همان سال، در تهران پایان یافته است. بدین ترتیب، مسافرت دوم، ۶ ماه و دو روز طول کشیده که در مقام مقایسه با مسافرت اول<sup>۵</sup> که هشت ماه و بیست روز زمان گرفته، کوتاه تر بوده است.

از آنجا که مسیرهای رفت و برگشت نجم الدوله در این سفر، از نقاط کوهستانی و گردنه‌های سخت و صعب‌العبور زاگرس و کُتل‌های وحشتناک فاصل بین بوشهر و کازرون می‌گذشته و با توجه به نزول برف‌های سنگین و سرما و یخبندان بسیار شدید در بخشی از مسیر و نیز با ملاحظه وضع بسیار نامناسب راهها و وسایل حمل و نقل و نبود تسهیلات لازم در آن ایام، نجم الدوله، در خلال این سفر، ناگزیر، متحمل سختی‌های فراوان و مصیبت‌ها و خطرهای سهمگینی شده که شرح تفصیلی آنها در متن سفرنامه آمده است و در اینجا از دو مورد آنها یاد می‌شود:

... چند روز علی‌الاصول جمعی عمله پارو دار راه را [در حوالی زاغه از توابع خرم‌آباد] می‌رفتند و می‌کوبیدند و گاو انداخته<sup>(۱)</sup> با وجود آن ارتفاع برف از یک ذرع الی دو ذرع بود. قاطرهای باردار، هر دو قدم می‌افتادند و فرو می‌رفتند. مصیبتی گذشت... مکرر در برف فرو رفتیم و افتادیم. هرکس می‌افتاد، احدی ملتفت نمی‌شد. نوکر به آقا اعتنا نداشت چرا که او خود گرفتار بود... [خلاصه] قیامتی بود! امید نجات نداشتیم [مفاد آیه] یَوْمَ یَقْرَأُ الْمَرْءُ مِنْ أَحْیَهِ [و اُمِّهِ و اَبِیهِ]<sup>(۲)</sup> محسوس و مجسم شد چشم‌ها و دست‌ها غالب معیوب شد. هزار مرتبه توسل جستیم به ارواح اولیاء... (نسخه خطی سفرنامه، صص ۱۲-۱۳)

و نیز

... خلاصه مدت دو ماه سفر ما طول کشید از طهران الی دزفول و اقسام صدمات دیدیم از یخ و برف و پرتگاه و خطر دزد و خطر غرق [در] آب و غیره و الحمدلله به سلامت گذشتیم... (همان، ص ۳۰)

#### مشخصات نسخه خطی و شیوه تصحیح

به طوری که قبلاً یادآوری شد، نسخه‌ای که مبنای استنساخ سفرنامه حاضر قرار گرفته است، به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران تعلق دارد و کاتب آن، به موجب فهرست

۱. با گاو لگدکوب می‌کردند.

۲. روزی که مرد از برادرش و مادر و پدرش می‌گریزد (آیه ۸۰ از سوره عبس، در توصیف روز قیامت)

آثار خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران (جلد ۱۷، ذیل شماره ۹۳۸۷ و نیز مجله راهنمای کتاب ۱۸: ۸۶۶)، محمدعلی سدیدالسلطنه، متخلص به کبابی است. این نسخه، بنا به تصریح کاتب آن در انتهای سفرنامه، از روی نسخه‌ای که «در دستگاه نظام السلطنه بوده» نگاشته شده و «تسوید»<sup>(۱)</sup> آن در هشتم محرم (۱۳۱۰ ه.ق) پایان پذیرفته است.

این سفرنامه، چنانکه باید و می‌توان انتظار داشت، با شیوه نگارش و رسم الخط متداول در ۱۲۰ سال پیش و به شکل گزارش وقایع و مشاهدات روزمره به زبانی ساده و غیررسمی نگاشته شده به طوری که بسیاری از عبارات آن فاقد فعل است. به علاوه، در آن، از علامت‌های سجاوندی معمول امروز مطلقاً استفاده نشده است. مصحح، هنگام نسخه برداری، حتی المقدور کوشیده است ساختار اصلی و سبک و سیاق سفرنامه را محفوظ و دست نخورده نگاه دارد ولی ناگزیر، برای تسهیل قرائت متن و درک مفاد آن، تغییرات بسیار مختصری را که عمدتاً به علامت گذاری مربوط و محدود بوده، اعمال کرده است.

#### نظری به محتوای سفرنامه

سفرنامه دوّم نجم‌الدوله، همانند سفرنامه اول وی، حاوی ابتکارها و نوآوری‌های شایان تحسینی است که در آثار مشابه کمتر به چشم می‌خورد. ذهن وقّاد و اندیشه پویای نجم‌الدوله، از نخستین لحظات این مسافرت تا پایان آن، لحظه‌ای از تکاپو و تجسس عالمانه باز نایستاده و از کوچک‌ترین و جزیی‌ترین وقایع و مسائل صرف نظر نکرده است.

سفرنامه مزبور، نه تنها شامل انواع اطلاعات سودمند درباره شهرها، قصبه‌ها و روستاهای مسیر رفت و برگشت نجم‌الدوله در سفر یاد شده است بلکه به منزله آیینۀ تمام‌نمایی است از اوضاع و احوال اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و آداب و سنن و ارزش‌های فرهنگی مناطق طی شده در اواسط سلطنت ناصرالدین شاه قاجار. در اینجا، فهرست گونه‌ای از موضوعات مورد بررسی در این سفرنامه - صرف نظر از موضوع اصلی آن که بازسازی سد اهاز است - ارائه می‌شود.

#### فهرست مختصر مندرجات

۱. تسوید: نوشتن، روی کاغذ آوردن

- شهرها، قصبات و روستاهای واقع در مسیرهای رفت و برگشت: مشخصات جغرافیایی، وضع پستی و بلندی، شرایط اقلیمی، اوقات شرعی، فواصل و مسافتات، آثار باستانی و تاریخی و زیارتگاهها، نوع و تعداد بناها، شمار اماکن عمومی (مساجد، حمامها، دکانها...)، چاپارخانهها، کاروانسراها، پل‌های دایر و مخروطی و هزینه‌های تعمیر آنها و شخصیت‌های برجسته محلی.
- وضعیت راه‌ها و حمل و نقل: راه‌های مالرو، بارانداز منزل‌ها، ناامنی، باجگیری و قطع طریق، حیوانات مرکوب و بارکش.
- میزان جمعیت و تعداد خانوارها
- عشایر مسیر راه: طوایف و تیره‌های آنها، سرکردگان و ریش‌سفیدان، مناطق بیلاق و قشلاق و میزان نفوس یا خانوار هر کدام.
- وضع کشاورزی: وسعت اراضی زیرکشت یا قابل کشت، زراعت‌های معمول، فراورده‌های زراعی و دامی، نحوه آبیاری (ارضی فاریاب و دیمزار)، رودها، کاریزها، چشمه‌ها، ضرورت ایجاد نهرها و کانال‌های فرعی، لزوم تشویق مردم به زراعت و نخل کاری با واگذاری زمین، جنگل‌ها و استفاده بی‌رویه از آنها برای تهیه سوخت و ذغال.
- وضع تغذیه و بهداشت: نوع غذاها، آب مشروب، بیماری‌های بومی و مسری و انگل‌ها، ضعف بنیه و لاغری بسیاری از مردم، عدم رعایت نظافت و بهداشت، نبود آبریزگاه در بسیاری از نقاط روستایی و عشیره‌ای، جاری بودن فاضلاب‌ها و فضولات مبال‌ها در معابر عمومی، وجود فحشا در بعضی نقاط و تعداد روسپی‌ها.
- اوضاع اقتصادی: مشاغل و حرفه‌های متداول، محصولات و مصنوعات محلی و بومی، صنایع دستی، نرخ ارزاق، بهای اراضی و خانه‌ها، صادرات و واردات و گمرک و تأکید بر ضرورت خرید کالاهای ساخت کشور.
- فرهنگ عامه: آداب و رسوم، باورها و مراسم.
- چگونگی رفتار دیوانیان و حاکمان با مردم: ظلم و تعدی حکام، سنگینی مالیات‌ها، فساد مالی، رشوه‌خواری و حیف و میل بیت‌المال.
- وضعیت قوای نظامی: بنیه ضعیف دفاعی، وضع نامطلوب نظامیان از نظر موجب، لباس و اسلحه.
- مداخلات بیگانگان: - به ویژه انگلیسی‌ها - در شئون داخلی کشور.
- با توجه به گستردگی و گوناگونی شگفت‌انگیز اطلاعات گردآمده در گزارش سفر

دوم نجم‌الدوله به خوزستان و حوصله و دقتِ نظر و وسواسِ کم‌نظیری که نویسنده در نقل دیده‌ها و شنیده‌های خود به کار برده است، جای آن دارد که با تأسی به استاد دبیر سیاقی - این سفرنامه را نیز - نظیرِ سفرنامهٔ اوّل، با سفرنامهٔ ناصر خسرو قابل قیاس بدانیم.

\*\*\*

در لابلای اوراقِ این سفرنامهٔ گرانقدر و کم‌بدیل، بارها به واقع‌نگری‌هایی محققانه، ملاحظاتی عالمانه و هشدارهایی دلسوزانه برمی‌خوریم که جملگی از وجدان‌بیدار، انسان‌دوستی و وطن‌خواهی بی‌شایبه و احساس مسئولیتِ شایانِ تحسینِ نویسندهٔ آن حکایت می‌کند. در اینجا، مواردی از آنها را ذیلِ عنوان‌های چند، می‌آوریم. باشد که خوانندگان ارجمند - به ویژه آنان که فرصت و یا حوصلهٔ مطالعهٔ تمام سفرنامه را ندارند - بتوانند بیشتر و بهتر، با اندیشه‌های والا و شخصیتِ استثنایی نویسندهٔ آن - که به راستی از مفاخرِ مسلمِ علمی و ملی ماست - آشنا شوند و دریابند که گرامی سرزمین ما، در طول تاریخِ پرفراز و نشیبِ خود، چه رادمردان سترگی را در دامن خود پرورده است.

اکنون این شما و این هم نمونه‌هایی از عواطفِ سرشارِ میهن‌دوستانهٔ نجم‌الدوله و ابرازِ نگرانی‌هایِ بموردش از آشفتگی‌ها و نابسامانی‌های کشور و دغدغه‌هایی که به حق، دربارهٔ حفظِ استقلال و تمامیتِ ارضی کشور، به دلیل دخالت‌های بیگانگان، احساس می‌کرده است.

#### ۱. میراث فرهنگی گرانقدر ایران و ضرورت حفاظت از آن<sup>(۱)</sup>

##### دربارهٔ عظمت تخت جمشید

... در ساعت ۵ به غروب [مانده] سوار شده رفتیم به تخت جمشید. عَجَب بنایی است! حقیر که خود را قابل توصیفِ آن نمی‌داند... آن قدر عرض می‌کند که چنین عالی بنایی امروز در هیچ مملکتی، از آثار قدیم، باقی نیست. سزاوار این است که از هر گونه جواهرِ گرانبها عزیزترش بداریم. [متأسفانه] حال بی‌صاحب و بدون مستحفظ سالیان دراز است افتاده و فرنگی‌ها می‌آیند و آنچه ممکن [باشد] و بتوانند، می‌کنند و می‌شکنند و می‌برند و آنچه نتوانند از [فرط] حسادت

۱. عنوان‌ها از نگارنده است.

و خُبثِ ذات... دستی می‌شکنند و می‌ریزند؛ چنانچه بسیاری از مجسمه‌های [جمشید و سایرین] را شکسته [و یا] حک<sup>(۱)</sup> کرده‌اند... (همان، صص ۱۵۹-۱۶۰)

### معماری شگفت‌انگیز چهل‌ستون اصفهان

... امروز صبح... رفتیم... سقف شیروانی چهل‌ستون را تماشا کنیم و در حقیقت تعلیم بگیریم. در طول ۳۰ ذرع و عرض ۲۰ ذرع شیروانی زده [و ستون‌های] حمال... به کار برده‌اند که انسان و هر مهندس مبهوت می‌شود. [راستی] چه مردم بزرگی داشته‌ایم! مهندسین و علمای فرنگی زیاد می‌آیند [و به تماشای این سقف همه مبهوت می‌شوند. آثار صنعت قدیم ما از روی چنین ابنیه معلوم می‌شود... (همان، ص ۱۸۱)

### بند امیر و خدمات عضدالدوله

... حقیقتاً مرحوم عضدالدوله دیلمی که از بزرگان روزگار بوده عجب مخارج گزافی نموده است برای سوار کردن آب به زمین‌های اطراف... ۸ رشته سد ساخته‌اند هر کدام به فاصله دو فرسخ از دیگری: اولی [دارای] ۱۴ چشمه است و مابقی کوچک‌تر و اولی ۲۲ طاحونه<sup>(۲)</sup> و ۲۲ قریه را مشروب می‌کند و مجموع [آنها] ۳۶۰ قریه را... برای بنای سد اول زیاد [ه] از یک صد هزار تومان مخارج شده! عجب همتی داشته! [چه] کارهای عجیب نموده که نمی‌توان در اینجا شرح داد... (همان، ص ۱۵۸)

### ۲. مظالم و تعدیات بی‌شمار حاکمان و دیوانیان

#### ظلم و ستم بی‌اندازه والی پشتکوه

... دو نفر از طایفه قلاوند که والی پشتکوه غارت [شان] نموده و ۲۳ نفر [از آنها] را اسیر برده، از آن جمع گریخته [و] آمده‌اند به دادخواهی... حکایت می‌کردند که والی موازی<sup>(۳)</sup> چهل هزار گوسفند و چهار هزار ماده گاو و سه هزار تومان نقد و شصت راس مادیان و به قدر ده هزار تومان جل و پلاس از آنها غارت نموده... (همان، ص ۲۸)

#### ایجاد پادگان برای وصول مالیات!

... پنجاه نفر سرباز و یک عراده توپ آنجا ساخلو گذاشته‌اند برای وصول مالیات دشتستان از رعایای برهنه در وسط مملکت... (همان، ص ۱۳۵)

۳. معادل، برابر

۲. آسیاب

۱. کنده‌کاری، خط‌کشی.



### به بیگاری گرفتن مردم

... چند نفر تفنگچی بی سر و پا<sup>(۱)</sup> آنجا (= در میان کُتل سر راه بوشهر به شیراز) دیدم که نان بلوط می خوردند. خیلی پریشان بودند [و] گریه می کردند از [شدت] ظلم بعضی مباشرین. می گفتند که ما سی نفر، ساکن قریه ای در این نزدیکی هستیم. هر نفر مردی ده تومان سری<sup>(۲)</sup> می گیرند و از الاغ پنجهزار<sup>(۳)</sup> و ماهی هشت هزار<sup>(۴)</sup> مواجب داریم که از بابت سالی ده تومان موضوع<sup>(۵)</sup> می شود. تتمه را دستی می گیرند و تفنگچی گری مفت باید بکنیم!... (همان، صص ۱۴۰-۱۴۱)

### از هستی ساقط کردن مالکان و زارعان

... [در دالکی از توابع برازجان] نخيلات زياد [است] که از رودخانه شور مشروب می شود. مالیات آنها ابتدا ۱۲۰۰ دینار بوده از قرار اصله [ای] ده شاهی، بعد افزوده شده [به] یک صاحب قران و بعد دو صاحب قران. آن وقت، رعیت، دیگر طاقت تحمل نداشته؛ تمام نخيلات آنها را تصرف کرده اند عُمال دیوان و از قرار ممیزی اجاره می دهند به رعیت و گاه خود مالک اجاره می کند: یا جزیبی نفعی عاید او می شود و یا باید [مبلغی] دستی هم بدهد و گاه رعیت دیگر اجاره می کند و صاحب اصلی اش به کلی بی بهره و محروم می ماند... (همان، صص ۱۳۴-۱۳۵)

### ۳. رشوه خواری و حیف و میل اموال عمومی

#### سوء استفاده و اخاذی در سربازخانه ها

... امروز یکی از صاحب منصبان افواج، محرمانه... می گفت: غایب و متوفای سرباز چندان نقلی نیست.<sup>(۶)</sup> عمده مداخل راه های بی شمار دارد: اول تغییر و تبدیل و عوض گرفتن سرباز [که] هر نفری اقلاً چهار تومان تفاوت معامله است و تغییر صاحب منصب سیصد الی چهارصد تومان! و اذن دادن به سرباز به کاسبی هر ماه هر نفر دو تومان است [که] نقد می دهد به اضافه جیره و هکذا<sup>(۷)</sup>... (همان، ص ۹۸)

۱. با سر و وضع محقر و لباس نامناسب
۲. مالیات سرانه
۳. منظور پنج هزار دینار - معادل پنج ریال - است.
۴. منظور هشت هزار دینار - معادل هشت ریال - است.
۵. کسر، تفریق
۶. درآمد آن چندان اهمیتی ندارد.
۷. غیره

## چپاول بیت المال

... حضرت قلی بیگ نامی در حکومت حضرت ظل السلطان، مبلغ هشتاد هزار تومان از دیوان گرفته برای بنای قورخانه و سربازخانه و غیره در خارک و بوشهر. پی دیوار، چینه با چند اطاق ساخته در بوشهر و مبلغ ۱۸ هزار تومان به خرج دولت آورده و علی الحساب سربازخانه دایر است. مذکور بود<sup>(۱)</sup> که جناب سعدالملک این سربازخانه را از دیوان بخرند به مبلغ دو هزار تومان! دیگر هم<sup>(۲)</sup> دستی بگیرند و در کنار چهار برج سربازخانه تازه‌ای بسازند... (همان، ص ۱۰۷)

و نیز در همین خصوص:

... دیگر، سربازخانه دولتی را [در بوشهر] دیدم که به مبلغ هجده هزار تومان به خرج دیوان ساخته‌اند و تجار معتبر مثل حاج امین و حاجی علی اکبر گفتند که مثل آن را ما به دو هزار تومان توانیم ساخت... (همان، ص ۱۱۴)

## ۴. در معرض فروش گذاردن سرزمین ایران

قصد فروش خرمشهر به ثمن بخش

... ملک محمره را شنیدم از جناب نظام السلطنه که دولت می‌خواستند به مبلغ یکصد هزار تومان بفروشند به حاجی آقا محمد معین، نصف نقد و نصف نسیه! این ملک را نظر به اینکه مفتاح<sup>(۳)</sup> ایران است نمی‌توان [برایش] قیمتی معین کرد؛ و با صرف نظر از این نکته اقلأ ده کرور<sup>(۴)</sup> قیمت دارد... (همان، ص ۴۸)

تلاش انگلیسی‌ها برای خرید جزیره محله

... جزیره الخضر یا جزیره محله...؛ هر کدام بشود یا هر دو، [را] انگلیسی‌ها بی‌اندازه طالبند و این دو جزیره مفتاح اصلی عربستان است. تا حال دو سه مرتبه اقدام نموده‌اند در خصوص جزیره محله. حقیر به حضور مبارک<sup>(۵)</sup> حاضر بود در باغ دوشان تپه که تلگرامی در این خصوص از عربستان یا بوشهر رسید که به مبلغ سی هزار (تومان یا روپیه) حاجی آقا محمد معین یا دیگری خریداری می‌کند. چاکر تفصیل<sup>(۶)</sup> این جزیره را عرض نمود و خیال مبارک را بازداشت از

۱. گفته شد.

۲. علاوه بر آن

۳. کلید

۴. «... نزد ایرانیان معادل پانصد هزار است» (یادداشت‌های قزوینی ۲۱۳-۲۱۶ به نقل از فرهنگ معین)

۵. مراد ناصرالدین شاه قاجار است.

۶. مشخصات مفصل

فروش. سابق هم اشاره به این مطلب شده ممکن است به هزار لباس درآیند تا ببرند. باید ملتفت بود که از دست نرود!... (همان، ص ۶۵)

فروشِ رامهرمز

... امروز فرمانی از طهران آمد برای فروش اراضی عربستان و در خصوص رامهرمز باز شنیده‌ام که می‌خواهند بخرند به قیمت نازلی... (همان، ص ۱۰۴)

## ۵. مداخلات آشکار و پنهان بیگانگان

### مطامع انگلیس در خصوص خوزستان

... امروز احمدخان، سرتیپ جهاز<sup>(۱)</sup>، آمده بود می‌گفت که کار عربستان از این نقل‌ها گذشته: صاحب‌منصبان انگلیس در جهاز صحبت می‌کنند که اهواز را چنین آباد می‌کنیم! چنین و چنان خواهیم کرد! اگر روس‌ها بیایند چنین جنگ می‌کنیم و به ما ایرانیان می‌گفتند که وقتی عربستان با ما باشد، برای شما بهتر می‌شود! و از این قبیل عبارات با کمال وجد و شور می‌گفتند بدون هیچ احتیاطی. در حقیقت، بعضی ما ایرانیان هم، آنها را مدد می‌کنیم... (همان، ص ۱۲۱)

و نیز:

... آزاد کردن کارن<sup>(۲)</sup> برای عبور کشتی‌های خارجه باعث نفوذ انگلیسی‌ها شده و عنقریب باید خانه را به این مهمان‌های محترم پر زور واگذار و عقب کشید!... (همان، ص ۴۸)

و نیز:

... دولت انگلیس بدون اذن و اجازه از دولت تا حال سه مرتبه کشتی خود را از شاخه بهمنشیر گذرانیده و از وقتی که بنای اجازه دخول آنها [داده] شده در کارن تلگرام زدن از بصره را به سمت خود بوشهر و بمبئی من باب احتیاط موقوف کرده‌اند که مبادا مطالب مهمه پولیتیکیه آنها به خارج نشر کند... (همان، ص ۵۴)

و نیز:

... حضرات انگلیس‌ها، آن طور که چاکر فهمیده، منظورشان تجارت نیست. این کارها بهانه است. و با این مستمسک می‌خواهند عنقریب محمره<sup>(۳)</sup> و بلکه

۱. سرتیپ دریایی (جهاز = کشتی).

۲. منظور رود کارون است.

۳. خرمشهر

اهواز را متصرف شوند... (همان، ص ۸۱)

و:

.. در هر صورت حضرات<sup>(۱)</sup> خیالات بلند دارند. بیچاره خفته‌ای که بیداری در

پی او باشد!... (همان، ص ۷۳)

اقتدار بی حد و حصر مأموران سیاسی انگلیس

... نمی‌دانم قونسول انگلیس چرا باید همیشه پنجاه نفر سرباز رشید افغان و

سوار داشته باشد و البته مبلغی هم فشنگ ذخیره دارد. نمی‌دانم به اذن و اجازه

دولت است؟... (همان، ص ۱۱۹)

و نیز:

... در حقیقت، جلگه وسیع باصفای ریشهر<sup>(۲)</sup> را تبعه خارجه در تصرف

دارند و دیناری هم از بابت مالیات به دیوان نمی‌دهند، بلکه زور هم می‌گویند و

سفارت<sup>(۳)</sup> انگلیس، کرنل راس، در حقیقت حکومت دارد و حکومت ایران در

جنب سفر جرات نفس کشیدن ندارد و با احدی جرات جواب و سؤال ندارند که

فوراً یک بستگی به سفارتی پیدا می‌کنند مثلاً پسرخاله همسایه سقا یا رخت‌شور

یا آب‌کش یا دایه یا آشپز فلان نوکر سفیر است!... (همان، ص ۱۰۸)

و نیز:

و غالب اهل بوشهر به اسم ماست‌فروش و بلم‌چی و سقا و غیره بستگی دارند

به سفارتی حتی تجار و کسبه... (همان، ص ۱۰۹)

اعمال نفوذ انگلیسی‌ها از یک سو و اختلافات ایرانی‌ها از سوی دیگر

... کار عربستان دو اشکال بزرگ به هم رسانیده: از یک طرف نفوذ

انگلیسی‌ها با آن استعداد که فرصت به ما نمی‌دهند و عرصه را بر ما تنگ

نموده‌اند... و از یک طرف عدم وفاق مأمورین ایران، خواه حکومت کل، خواه

اجزای او و خواه مأمورین موقتی (همان، صص ۷۳-۷۴)

رخنه انگلیسی‌ها در کشور به بهانه تلگراف

... انگلیس‌ها، به بهانه تلگراف، عجب رخنه‌ای در ایران کرده‌اند و با رعایا و

اراضی مربوط و مانوس شده‌اند و حالا که بنای استخراج معادن شد، این قدر

بریزند در ایران که یک وقت ملتفت شویم تعداد نفوس انگلیس‌های معتبر و

متمول و مسلح بیش از رعایای گرسنه ایران است... (همان، ص ۱۳۷)

۳. منظور کنسول است

۲. در نزدیکی بوشهر

۱. مراد انگلیسی‌هاست

و نیز در همین خصوص:

... تمام مطالبی که [به وسیله تلگراف] مابین طهران و اصفهان با بوشهر گفتگو می‌شود، انگلیس‌ها می‌گیرند و رموز را حل کرده‌اند و قبل از آنکه به صاحب کار برسد صورت آن به لندن تلگرام شده. این مطلب محقق است بر اولیای دولت. لازم است که عاجی برای این کار بکنند و الا چه تلگرامی و چه رمزی؟ (همان، ص ۱۰۲)

تلاش برای تطمیع ایرانیان از راه رشوه

... طیلر صاحب<sup>(۱)</sup> که... به عنوان تجارت آمده است به محمره و اهواز در سه مجلس با حقیر ملاقات نموده... اظهار نمود که چون شما زحمت ما را متحمل شده‌اید من باید... [هدیایی! به شما] بدهم... تعارفات او زیاد بود... حقیر همه را رد نمود و مراتب را... در حضور... جمعی به نظام‌السلطنه اظهار نمود و گفت مقصودی از این حرف ندارم جز آنکه ملتفت باشید... که منظور اینها بستن چشم و گوش ماست تا مقاصد خود را در عربستان صورت دهند و کمال خیانت به دولت و ملت است قبول کردن تعارف از اینها و بعد ناچار همراهی کردن با خیالاتشان... (همان، ص ۸۰)

۶. تأسف از عقب‌ماندگی خرمشهر نسبت به بصره

... حقیقت بصره وضع نسبت به سال ۹۶ [۱۲] و ۹۹ [۱۲] که حقیر دیده بود، خیلی ترقی نموده: نخلستان‌ها زیاد شده، بر عدد بیوتات<sup>(۲)</sup> و عمارات افزوده [شده]، کاروان سراها و بازارها زیاد شده. خرمای بصره عجب مال‌التجاره معتبری شده. از ینگی دنیا<sup>(۳)</sup> و فرنگستان تجار مخصوصاً می‌آیند برای خرید. حیف از محمره که با آن استعداد آب و خاک، خراب و ویران و لاینفع مانده!... (همان، ص ۶۸)

و نیز:

... از قرار تحقیق حالا هر سال یک کروار تومان [فقط] قیمت فروش خرماهای حلاوی (حلاوه) آنجا [= نخلستان ام‌الحفیف بصره] ست که بر تمام خرماهای

۱. صاحب: «عنوانی که در ممالک اطراف ایران به انگلیسیان معنون و سپس به خارجیان داده‌اند».
۲. جمع منتهی الجموع بیت: خانه‌ها (فرهنگ معین)
۳. ترکیبی ترکی - عربی است به معنای دنیای جدید (آمریکا) که از طریق عثمانی به کشور ما آمده است. (فرهنگ معین)

بصره ترجیح دارد... [و حال آنکه] فروش تمام خرماهای محمره را [فقط] سالی تا یکصد هزار تومان می‌گویند... (همان، ص ۷۱)

و نیز در خصوص عدم پیشرفتِ سواحلِ متعلق به ایران:

... صبح شنبه ۶ رجب [۱۳۰۶ ه.ق] حرکت نمودیم در شط العرب به سمتِ دریا تا مقابلِ فو. ساحلِ طرف عثمانی<sup>(۱)</sup> همه جا آباد و نخلستان بود جز به ندرت... ولی در سمتِ جزیره‌الخصر [متعلق به ایران] غالبِ سرحدات بایر بود... (همان، ص ۷۷)

## ۷. جلایِ وطنِ ایرانیان به عراق و امکانِ بازگرداندن آنان

... عمده‌ی مطالب [کدخدایان و ریش‌سفیدانِ طایفه] بیرانوند [که به دیدنِ حقیر آمده بودند]... اینکه: هزار خانوار آنها از بابتِ ظلم رفته‌اند خاکِ والی پشتکوه و خاکِ روم<sup>(۲)</sup>... و اصلِ مالیاتِ آنها دو هزار و سه تومان بوده و مظفرالملک دوازده هزار تومان می‌گرفته و ضیاءالدوله سه هزار و پانصد تومان گرفته و معادل همین مبلغ عباسقلی خان و لطفعلی خان سرکرده آنها تعدی کرده و باعث فرار آنها شده... (همان، ص ۲۵)

و نیز:

... امروز... حاجی ملارضا، شهیندر<sup>(۳)</sup> قدیم بصره، به اتفاق ۲۵ نفر از تجار عجم و معارف<sup>(۴)</sup> کسبه، از سادات و غیر سادات، آمدند از بصره به دیدنِ [حقیر] و از قرارِ مذکور، دو سه نفر از آنها، بیش، به رعیتی<sup>(۵)</sup> ایران باقی نیستند. مابقی از سوء سلوکِ شهیندرها به تدریج رعیتی عثمانی را اختیار نموده‌اند و از قرارِ مذکور حالا قریب یکهزار نفر فلاحِ ایرانی در نخلستان‌های بصره هستند... (همان، صص ۹۰-۹۱)

و نیز:

... تمام تبعه ایرانی، از تجارِ سکنه بصره و غیره، حاضرند برای آمدن در محمره و ساختنِ عمارات و آبادی و تجارت و غیره ولی تأمین می‌خواهند... (همان، ص ۶۹)

۱. مراد عراق است که در آن زمان جزء مستملکات عثمانی بود.
۲. مراد عثمانی - عراق - است.
۳. رئیس‌التجار
۴. افراد مشهور، شخصیت‌های برجسته و شاخص
۵. تابعیت

## ۸. تشویق مصرف کالاهای ساختِ وطن

... [در کاشان انواع منسوجات]... مثل روی فرشی مخمل، توشکِ مخمل، قالیچهٔ مخمل، ... و اقسام قناویز<sup>(۱)</sup> و خاقانی<sup>(۲)</sup> و شمد و قدک<sup>(۳)</sup> و دستمال چنان خوب می‌سازند که هیچ نسبت به مالِ فرنگی ندارد. با وجودِ آنها بر ما ایرانیان حرام مطلق [است] استعمالِ متاعِ فرنگی... (همان، ص ۱۸۴)

\*\*\*

سخن رفته رفته به درازا کشید و نقلِ اقوالِ نجم‌الدوله هم، هرچند که بسیار آموزنده و عبرت‌انگیز بود، مزید بر علت شد. ضمنِ عرضِ پوزش، از خوانندگان ارجمند رفع ملال و آنان را به قرائتِ متنی کامل سفرنامه که اخیراً منتشر شده است، دعوت می‌کنیم.

### پی‌نوشت‌ها

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر دربارهٔ احوال و آثارِ عبدالغفارخان نجم‌الدوله ← ناصر پاکدامن، «میرزا عبدالغفار نجم‌الدوله و تشخیص نفوس دارالخلافة»، فرهنگ ایران زمین، جلد ۲۰، چاپ دوم، ۱۳۵۴، صفحات ۳۲۴-۳۲۹ و نیز سید محمد دبیر سیاقی، نجم‌الدوله، دانشمندی جامع علوم و فنون قدیم و جدید مندرج در، زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی میرزا عبدالغفار خان نجم‌الملک، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳ (و نیز سایر مقالات مندرج در این زندگی‌نامه) و نیز احمد کتابی، سه اثر از نجم‌الدوله، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۴ (بخش اول)
۲. اعتمادالسلطنه، محمد حسن بن علی، المآثر و الآثار، به کوشش ایرج افشار، انتشارات اساطیر، ۱۳۶۳، به نقل از فرهنگ ایران زمین، جلد ۲۰، پیشین، ص ۹۵.
۳. این کتاب که حاوی ۳ اثر از عبدالغفار خان نجم‌الدوله: رسالهٔ تطبیقیه، رسالهٔ تشخیص نفوس دارالخلافة و سفرنامهٔ حج است، به مناسبت یکصدمین سالگرد درگذشت نامبرده، به همت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در زمستان ۱۳۸۴ خورشیدی منتشر شد.
۴. نجم‌الدوله، در سفرنامهٔ دوم خود، انگیزهٔ اصلی دو مسافرت خود به خوزستان را به شرح زیر بیان کرده است:

... [حقیر] طبعاً مایل به هیچ شغل غیر علمی نیستم و اینکه دو سفر با کمال رغبت به

۱. قسمی پارچهٔ سادهٔ ابریشمین که غالباً سرخ رنگ است (فرهنگ معین)

۲. معنای این لغت در فرهنگ معین و لغت‌نامهٔ دهخدا ذکر نشده است ولی با توجه به قراین موجود می‌توان احتمال دارد که نوعی پارچهٔ مرغوب باب دربار خاقان بوده است.

۳. جامهٔ کرباس رنگین، پارچهٔ غیر ابریشمی ملون

سمت عربستان رفتیم جداست، چون سدّ اهواز از بناهای قدیم بزرگ عالم بوده و امروز صحبت او در افواه تمام بزرگان دنیا پیچیده است. حقیر به ملاحظه خدمت به دولت و آبادانی مملکت و بقای نام نیک سال‌های دراز در دنیا اقدام نمودم... (ص ۱۵۳ نسخه خطی)

۵. نخستین مسافرت نجم‌الدوله به خوزستان در سال (۱۲۹۹ ه.ق) به فرمان ناصرالدین شاه قاجار - مطابق دستورالعمل چهارده اصلی صادره از طرف وی - برای بازدید سد قدیمی اهواز، برآورد هزینه تجدید بنا، و بررسی آثار و توالی مترتب بر احیای آن صورت گرفته است. (برای آگاهی بیشتر ← محمد دبیر سیاقی، سفرنامه خوزستان، حاج عبدالغفار نجم‌الملک، ۱۳۴۱، مقدمه)

۶. در شهریور (۱۳۱۴)، به موجب تصویب‌نامه هیأت وزیران، نام محمره به خرّمشهر تبدیل شد. (فرهنگ معین)





در آستانه تحقیق / معرفی سندی چاپ نشده از دوران قاجار



عبدالغفارخان نجم الدوله (۱۳۲۶-۱۲۵۵ ه.ق)